# گلشن مهر

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ چهارشنبه ۲۷ آبان ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم /شماره ۳۲۹۶/ ۸ صفحه / ۲۵۰۰۰ تومان



**دفتر خدمات دولت حقی**

**نشانی:گرگان – خیابان شهید بهشتی، روبروی خیابان اول گرگانجدید. پاساژ رضا. واحد ۴ و ۱۷**

**شماره: ۰۹۱۱۲۶۸۰۲۴۹**
**۰۹۲۲۲۶۸۰۲۴۹**





۳ ۱۶۹ میلیارد ریال خسارت به سیل‌زدگان مینودشت پرداخت شد «



۳ عبور از اقتصاد تک محصولی راهبرد کاهش تورم «



۴و۵ ادبیات کودک و نوجوان «



شکارچیان غیرمجاز مهمانان ناخوانده تالاب‌های گلستان «۷»



نقدی بر شیوه مدیریتی منابع آب استان گلستان گلستان؛ باران بیشتر، آب کمتر؟ «۸»



کامیون حامل ٤ تن چوب غیرمجاز توقیف شد «۸»


بیست و ششمین دورهمی سرای فرهنگ و رسانه برگزار شد

# مردی با هنر و اندیشه



**فاطمه سراوانی**- بیست‌وششمین دورهمی فرهنگی سرای فرهنگ و رسانه در گرگان، به پاسداشت نود سال زندگی سرشار از هنر، اندیشه و فرهنگ اختصاص یافت؛ آیینی که در آن، شاگردان، همراهان و اعضای خانواده پرویز رضایی از مردی سخن گفتند که میراثش را نه‌فقط در آثار و نوشته‌هایش، بلکه در جان و اندیشه نسل‌هایی که پرورش داده، به یادگار گذاشته است. بیست‌وششمین دورهمی فرهنگی سرای فرهنگ و رسانه، با همکاری اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان، روز دوشنبه ۲۵ آبان‌ماه ۱۴۰۵ در سالن نگاه تالار فخرالدین اسعد گرگانی، در گرگان برگزار شد؛ محفلی فرهنگی که این بار به بزرگداشت پرویز رضایی، نقاش، مولف، مترجم و پیشکسوت عرصه فرهنگ و هنر اختصاص داشت. این آیین، فرصتی برای پاسداشت سال‌ها تلاش و فعالیت فرهنگی و هنری مردی بود که نامش با بخشی از تاریخ فرهنگی و ادبی گرگان پیوند خورده است؛ شخصیتی که در کنار فعالیت‌های هنری و ادبی، در عرصه آموزش نیز حضوری اثرگذار داشته و ردپای اندیشه و منش او همچنان در خاطرات شاگردان و همراهانش باقی است. آنچه این مراسم را از یک بزرگداشت معمول فراتر می‌برد، تعدد روایت‌هایی بود که از زوایای گوناگون به شخصیت پرویز رضایی پرداختند؛ روایت‌هایی از استقلال فکری و فعالیت‌های مطبوعاتی، از کلاس‌های درس و پرورش استعدادها، از پیوند عاطفی معلم و شاگرد، از خاطرات خانوادگی و سرانجام از زبان خود او؛ مردی که در آستانه ی نودسالگی، همچنان با شوق از ادبیات، فلسفه، هنر و زندگی سخن می‌گوید. در این مراسم، علیرضا ابن‌قاسم، غلامعلی قاری، پردیس رضایی(دختر ایشان) و داماد خانواده به بیان دیدگاه‌ها و خاطرات خود پرداختند و در ادامه، پرویز رضایی نیز با سخنانی صمیمی و تامل‌برانگیز، از زندگی، اندیشه‌ها، تجربه‌های ادبی و دلبستگی‌های شخصی خود گفت.

## روایت آموزگاری که استقلال اندیشه را می‌آموخت

در نخستین بخش سخنرانی‌ها، علیرضا ابن‌قاسم با بازخوانی خاطراتی از همراهی با پرویز رضایی، به نقش او در شکل‌گیری و استمرار جریان‌های ادبی و فرهنگی گرگان پرداخت. او با اشاره به تنسیس گروه ادبی و هنری «باران» به همت پرویز رضایی و جمعی از دوستان و همراهان فرهنگی، از انتشار نشریه ادبی و فرهنگی باران یاد کرد؛ او یادآور شد که به دلیل اختلاف‌نظر با صاحب‌امتیاز روزنامه «شمال ایران» انتشار آن متوقف شد، اما تجربه آن از منظر استقلال فرهنگی و هویت مطبوعاتی، اهمیت ویژه‌ای داشت. به روایت ابن‌قاسم، صاحب‌امتیاز روزنامه شمال ایران خواهان آن بود که جنگ ادبی باران به‌عنوان بخشی از آن روزنامه منتشر شود، اما پرویز رضایی برای آن هویتی مستقل قائل بود و بر انتشار نشریه‌ای مستقل تاکید داشت. این نگاه، در شرایط آن روزگار، نشان از درک اهمیت استقلال رسانه‌ای و ضرورت برخورداری فعالیت‌های ادبی از هویت و شان مستقل داشت. ابن‌قاسم همچنین به انتشار کتاب «فصل گرگان» توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۵۸ اشاره کرد و از فضای فعالیت‌های ادبی آن دوره سخن گفت. او با یادآوری روزهایی که رضایی در تهران اقامت داشت و ارتباط آنان بیشتر از طریق نامه و تلفن برقرار می‌شد، از حمایت‌ها و تشویق‌های او برای ادامه فعالیت‌های ادبی یاد کرد. به گفته وی، رضایی برای اعضای این جریان فقط یک همراه نبود، بلکه نقش مربی و راهنما را بر عهده داشت؛ راهنمایی که بر اصالت محتوا و کیفیت تولید ادبی تاکید می‌کرد. یکی از مهم‌ترین آموزه‌هایی که ابن‌قاسم از او نقل کرد، ضرورت انتشار مطالب بکر و دست‌اول در نشریات بود. رضایی معتقد بود مجله‌ای که می‌خواهد اعتبار فرهنگی کسب کند، باید محل عرضه اندیشه‌ها و مقالات تازه باشد، نه فقط بازنشر مطالبی که پیش‌تر در نشریات دیگر منتشر شده‌اند. در ادامه، ابن‌قاسم خاطره‌ای از تصمیم خود و دوستش، آقای تاج‌الدینی، برای اختصاص صفحه‌ای از مجله به احمد شاملو روایت کرد. هنگامی که این تصمیم را با رضایی در میان گذاشتند، او با استقبال فراوان، نوارهای کاستی از سخنان شاملو درباره شعر را که به اوایل دهه ۱۳۴۰ تعلق داشت، در اختیارشان گذاشت.


**ادامه در صفحه ۲**


یادداشت اول

# فلسفه روشی برای زیستن

■ احسان مکتبی

بیست و هشتم آبان ماه روز جهانی فلسفه است، بسیاری گمان می کنند فلسفه تنها یک عنوان علمی است در حالی که علاوه بر عنوان دانشگاهی آن، امروزه فلسفه به مثابه روشی برای زیستن است. زندگی فلسفی انتخابی است آگاهانه برای گذران عمر، اینکه به این درک نائل شوی که ازکجا آمده ای و در نهایت به کجا خواهی رفت و در میانه این دو آمدن و شدن چه باید بکنی، اینکه بدانی دنیا تنها منزلگاهی برای دم زدن و لحظه ای ایستادن است و ناگزیر و لاجرم باید بروی، بنابراین دل بستن به سرای سه پنج خردمندانه نیست، اینکه بدانی اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است، اینکه بدانی وقتی نمانده است و پر شتاب باید بار سفر ببندی پس باید از اوقات باقی مانده بهره ببری آن چنان که استاد سخن حضرت سعدی می فرماید:

سعدیادی‌رفت‌وفرداهم‌چنان‌موجودنیست
در میان این و آن فرصت شمار امروز را

اینکه چگونه با خودت و خدای خودت کنار بیایی کار فلسفه است، اینکه راه و روش زندگی را بیاموزی، تا بدانی در کجای هستی ایستاده ای تا به آرامشی عمیق و لاینتاهی برسی را فلسفه به شما می آموزد، آنگاه تصمیم می گیری که این چند روز حیات را چگونه سر کنم ؟ اینها همه کار فلسفه است و فلسفه با پرسش از هستی و زیستن آغاز می شود و در نهایت تا ثبات انسان آزاد و خردمند ادامه می یابد آنگاه می بینی که در وجودت آرامش، صفا و صمیمیت می شکفد و دیگر تو را چندان با قضاوت ها و حرف و حدیثهای دیگران کاری نیست زیرا خود را مکلف به انجام آن چیزهایی میدانی که به آن رسیده ای، مسوولیتی که اندیشیدن فلسفی بر عهده ات گذاشته است. پس خوب است یک بار دیگر چشمهایمان را بشوییم و خودمان را به روز کنیم و فلسفی زندگی کردن را بیاموزیم تا به آرامش برسیم آنگاه برای این پرسش جناب مولانا پاسخی در خور داریم که پرسید:

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود
به کجا می روم آخر ننمایی وطنم

روز فلسفه بر همه کسانی که دلیلی برای زیستن خود یافته اند مبارک.

# ادامه تیتر اول

این رفتار، از نگاه ابن‌قاسم، جلوه‌ای از منش منصفانه و فرهنگ‌مدار رضایی بود؛ انسانی که در حمایت از یک کار ارزشمند، نام و جایگاه انجام‌دهنده آن را ملاک قرار نمی‌داد، بلکه اصالت محتوا و حفظ ارزش فرهنگی اثر برایش اهمیت داشت. اما بخش تامل‌برانگیز سخنان ابن قاسم درباره رابطه خاص رضایی با دانش‌آموزانش بود؛ رابطه‌ای که به گفته وی، از چارچوب معمول معلم و شاگرد فراتر می‌رفت و به رفاقت و دوستی عمیقی تبدیل می‌شد. ابن‌قاسم این ویژگی را از منظر تربیتی نیز قابل تامل دانست و بر ضرورت شناخت مسائل فردی دانش‌آموزان از سوی معلمان تاکید کرد؛ امری که به باور او، در نظام آموزشی امروز کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. نامه‌های دانش‌آموزانی که بعدها شاعر یا صاحب‌منصب شدند، از نگاه او، اسنادی زنده از این پیوند انسانی بودند؛ نامه‌هایی که در آنها می‌توان ردپای رابطه‌ای دوستانه و صمیمی را به‌روشنی مشاهده کرد. ابن‌قاسم در پایان سخنانش، با آرزوی حضور بیشتر معلمانی از جنس پرویز رضایی در جامعه، به نکته‌ای عمیق اشاره کرد و گفت: انسان‌های آگاه همواره در حال تکثیر خویش‌اند؛ آنان اندیشه، منش و آگاهی خود را در وجود دیگران امتداد می‌دهند و از این طریق، حضوری ماندگارتر از عمر خویش می‌آفرینند.

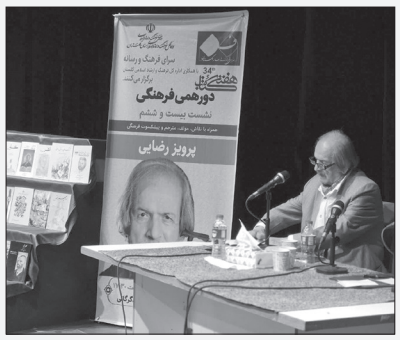
## معلمی که عشق به دانستن را در کلاس زنده می‌کرد

سپس غلامعلی قاری با بیانی آمیخته به خاطره، شعر و عاطفه، به روایت سال‌های شاگردی خود در محضر پرویز رضایی پرداخت؛ روایتی که از سال ۱۳۴۵ خورشیدی و روزگار تحصیل در دبیرستان ابن‌سینا آغاز می‌شد.

او سخنانش را با این ابیات آغاز کرد:

بی‌روی تو خورشید جهان‌سوز مباد
هم بی‌تو چراغ عالم‌افروز مباد
با وصف تو کس چو من خوش‌آموز مباد
روزی که تو را نبینم آن روز مباد

قاری با یادآوری فضای دبیرستان ابن‌سینا در کوچه معروف به زیادلو، گفت که در آن سال‌ها در رشته ادبی و در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم تحصیل می‌کردند و حسن سمنانی مدیریت دبیرستان را بر عهده داشت. او از نخستین مواجهه خود با پرویز رضایی تصویری زنده و روشن ارائه کرد؛ معلمی شمشاد قامت، خوش‌چهره و آراسته که با ورودش به کلاس، عشق به دانش در دل دانش‌آموزان جان می‌گرفت. به گفته قاری، درس‌هایی همچون قافیه و انشا در برنامه آموزشی آنان قرار داشت، اما فلسفه و منطق از محورهای اصلی کلاس بود. رضایی با تسلط بر مدیریت کلاس، بدون تندی و برخوردهای خشن، فضایی ایجاد می‌کرد که دانش‌آموزان در آن، نه از سر اجبار، بلکه با علاقه به آموختن روی می‌آوردند. او هر بار با چند برگه یادداشت وارد کلاس می‌شد، از درس جلسه پیش پرسش می‌کرد، درس تازه را ارائه می‌داد و در کنار آن، کتاب‌هایی را که همواره همراه داشت به دانش‌آموزان معرفی می‌کرد؛ گاهی داستان و گاهی شعر. همین معرفی کتاب‌ها، دریچه‌ای تازه به جهان ادبیات فارسی و شعر برای شاگردان می‌گشود. قاری همچنین از علاقه رضایی به هنر و معرفی هنرمندان بزرگ جهان یاد کرد و به نمونه‌ای از سخنان او درباره میکل‌آنژ، نقاش، مجسمه‌ساز و شاعر ایتالیایی، اشاره کرد؛ هنرمندی که با نگاهی ژرف به سنگ می‌نگریست و باور داشت موسی یا داوود به‌صورت بالقوه در دل آن نهفته است و هنر مجسمه‌ساز، آشکار کردن آن حقیقت پنهان است. قاری با بهره‌گیری از همین تصویر هنری، شخصیت رضایی را توصیف کرد و گفت همان‌گونه که میکل‌آنژ استعداد نهفته در سنگ را آشکار می‌کرد، استاد رضایی نیز توانست استعداد بالقوه چهار نفر از دانش‌آموزان آن کلاس را به فعلیت برساند. اما خاطره‌ای که بیش از همه عمق دلبستگی شاگردان به این معلم را آشکار می‌کرد، به زمانی باز می‌گشت که رضایی دیگر در کلاس فلسفه و منطق حضور نداشت. قاری روایت کرد که دانش‌آموزان ممتاز کلاس، در اعتراض به این اتفاق، تصمیم گرفتند از حضور در کلاس خودداری کنند. این اعتصاب




دانش‌آموزی مدتی ادامه یافت و آنان به‌جای رفتن به کلاس، در خیابان پهلوی سابق و قهوه‌خانه‌ای معروف به «هتل چهار» جمع می‌شدند و گاه نیز به سینما می‌رفتند. ماجرا به آموزش‌وپرورش گرگان کشیده شد. در آن زمان، یحیی‌خان قره‌داغی سرپرستی آموزش‌وپرورش را بر عهده داشت و تلاش‌هایی برای بازگرداندن دانش‌آموزان به کلاس صورت گرفت. در این میان، مدیریت دبیرستان نیز تغییر کرده بود؛ قنبر صیفی که بعدها شهردار شد، مسئولیت مدیریت را بر عهده گرفته بود، اما نتوانسته بود دانش‌آموزان را به بازگشت به کلاس ترغیب کند. سرانجام مدیر جدید وارد کلاس شد و با درک انگیزه دانش‌آموزان، به جای برخورد انضباطی، با آنان به گفت‌وگو پرداخت. قاری با یادآوری آن لحظه گفت مدیر جدید، که به گفته او مردی دانا بود و اکنون در بستر بیماری به سر می‌برد، هنگامی که وارد کلاس شد، با واکنش‌های متفاوت دانش‌آموزان روبه‌رو شد؛ نیمی از آنان از جا برخاستند و نیمی دیگر همچنان نشسته ماندند. این روایت، شاید روشن‌ترین گواه بر جایگاه رضایی در ذهن شاگردانش بود؛ معلمی که غیبتش از کلاس، برای دانش‌آموزان تنها جابه‌جایی یک دبیر نبود، بلکه فقدان شخصیتی بود که با شیوه تدریس، منش انسانی و پیوند عاطفی خود، به بخشی از هویت آموزشی آنان تبدیل شده بود. قاری در پایان، با تاکید بر اینکه خاطرات آن روزها همچنان در ذهن و دل شاگردان زنده است، از ماندگاری یاد آن معلم بزرگ سخن گفت.

در ادامه این آیین، پردیس رضایی، دختر پرویز رضایی، نیز به بیان مطالب و خاطراتی درباره پدر پرداخت. حضور او در این محفل، فرصتی بود تا در کنار روایت شاگردان و همراهان فرهنگی، به جایگاه خانوادگی و انسانی این چهره پیشکسوت نیز توجه شود. همچنین داماد خانواده رضایی در این مراسم سخنرانی کرد و مطالبی درباره شخصیت و ویژگی‌های پرویز رضایی بیان داشت. این بخش از برنامه، در کنار روایت‌های مربوط به کارنامه فرهنگی و سال‌های تدریس، وجه دیگری از زندگی او را پیش چشم حاضران قرار داد؛ وجهی که از نگاه نزدیکان و خانواده شکل می‌گرفت و نشان می‌داد شخصیت یک انسان را نمی‌توان تنها در محیط حرفه‌ای و اجتماعی او جست‌وجو کرد. زندگی خانوادگی، روابط انسانی و خاطرات نزدیکان نیز بخش جدایی‌ناپذیر میراث شخصیتی او هستند. پس از روایت شاگردان و اعضای خانواده، نوبت به سخنان خود پرویز رضایی رسید؛ سخنانی که از تاثیرگذارترین بخش‌های این آیین بود. او که ۸۹ سال از عمر خود را پشت سر گذاشته و به آستانه نودسالگی رسیده است، با بیانی صمیمی و آمیخته به تاملات ادبی و فلسفی، از فراز و فرودهای زندگی، خاطرات خانوادگی، مسیر ترجمه و دلبستگی عمیق خود به ایران و گرگان سخن گفت؛ سخنانی که در آنها می‌شد هم‌زمان صدای تجربه، شوق دانستن و شور ادامه دادن را شنید.

## خداوند جان و خرد

رضایی سخنانش را با نام خداوند جان و خرد و اشاره به حکمت فردوسی آغاز کرد و از حضور هنرمندان و عزیزانی که در این مراسم شرکت کرده بودند، صمیمانه قدردانی کرد. او با اشاره به اینکه ۸۹ سال از عمرش سپری شده است، تاکید کرد که همچنان با تمام توان و با عشق به یاد عزیزانش، مسیر زندگی را ادامه می‌دهد. نخستین بخش از سخنان او به یاد پدر و مادر اختصاص داشت؛ دو چهره‌ای که در شکل‌گیری شخصیت و جهان عاطفی‌اش جایگاهی ماندگار دارند. از مادر به‌عنوان زیباترین خاطره وجودش یاد کرد و در توصیف پدر، به آزادگی و منش او اشاره داشت؛ مردی که همواره این بیت حافظ را زمزمه می‌کرد:



«غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است»

این یادکرد، دریچه‌ای به جهان ارزشی رضایی می‌گشود؛ جهانی که در آن آزادگی، استقلال رای و رهایی از تعلقات، نه فقط مفاهیمی ادبی، بلکه اصولی برای زیستن بودند.

## محمود درویش و مارسل خلیفه

او در ادامه، به بخشی از فعالیت‌های ترجمه خود پرداخت و از ترجمه اثری مرتبط با مارسل خلیفه، خواننده و آهنگساز برجسته لبنانی، سخن گفت؛ هنرمندی که آثار شاعرانی چون محمود درویش و عزالدین مناصره را اجرا می‌کند.

اما بخش دیگری از سخنان او، به مناسبت بزرگداشت مقام مادر و زن، رنگ و بویی عمیقا عاطفی داشت. رضایی از شعر «أمی» به معنای «مادر من» اثر محمود درویش سخن گفت؛ شعری که ابتدا به زبان عربی سروده شده و سپس به زبان فرانسه ترجمه شده بود. او با بهره‌گیری از آشنایی خود با زبان فرانسه، این اثر را به فارسی برگردانده و آن را به یاد مادر خویش و همه زنان سرزمینش تقدیم کرده بود. رضایی با اشاره به نخستین انتشار این ترجمه در مجله «چیستا»، به مدیریت پرویز شهریاری، از خاطره‌ای ارزشمند یاد کرد، ترجمه او بدون دست‌بردن در متن، عینا در این نشریه منتشر شده بود. این اتفاق برای او اعتمادبه‌نفسی تازه به همراه آورد و انگیزه‌ای شد تا با جدیت بیشتری مسیر ترجمه آثار ادبی را دنبال کند؛ مسیری که حاصل آن، تا امروز بیش از ۲۱ اثر بوده است. او با همان شور و اشتیاق سال‌های جوانی تاکید کرد که اگر فرصت و عمر باقی باشد، این راه را ادامه خواهد داد. رضایی سپس بخش‌هایی از ترجمه فارسی شعر محمود درویش را برای حاضران خواند؛ شعری سرشار از دلتنگی، خاطره کودکی، اشتیاق بازگشت و پیوند ناگسستنی انسان با مادر و خانه:

«مادر من! من غم غربت دارم. مادرم نامه‌ها و قهوه‌ام را آماده کرده است. با یاد و خاطره کودکی‌ام، من خود بزرگ می‌شوم و زندگی را به دوش می‌کشم. ای مادر، اگر روزی نزد تو بازگردم، با اشک‌های تو مرا در آغوش بگیر؛ مرا با سبزی تبرک‌یافته دستانت بپوشان و رشته‌های وجودم را در تار و پود لباس‌هایت بفشار تا در کلبه‌ات آرام بگیرم... من پیر شده‌ام، اما می‌خواهم با ستاره‌های کودکی‌ام بازگردم تا راه بازگشت را با پرندگان پیدا کنم.» خواندن این شعر در مراسمی که به پاسداشت شخصیت و کارنامه فرهنگی او اختصاص داشت، معنایی فراتر از بازخوانی یک اثر ادبی پیدا می‌کرد؛ گویی رضایی با انتخاب این شعر، بخشی از عمیق‌ترین عواطف و خاطرات شخصی خود را با حاضران قسمت می‌کرد. در کلام او، مادر تنها یک خاطره خانوادگی نبود، بلکه ریشه‌ای بود که انسان، حتی پس از گذشت نزدیک به یک قرن، همچنان میل بازگشت به آن را در وجود خود احساس می‌کند.

## جبر و اختیار

بخش پایانی سخنان رضایی به یکی از مسائل بنیادین فلسفه، یعنی جبر و اختیار، اختصاص داشت. او با اشاره به اندیشه رنه دکارت، فیلسوف فرانسوی، و گزاره مشهور «من می‌اندیشم، پس هستم»، از جایگاه اندیشه در تعریف وجود انسان سخن گفت و سپس به دیدگاه لایبنیتس، فیلسوف و ریاضی‌دان آلمانی، اشاره کرد و این مفهوم را با احساس اختیار پیوند داد.

رضایی در تبیین این مسئله، میان بخش‌های جبری زندگی و عرصه انتخاب و اراده انسانی تمایز قائل شد. به اعتقاد او، تولد و شرایط آغازین زندگی از جمله اموری هستند که انسان در انتخاب آنها نقشی ندارد، اما پس از ورود به جهان، امکان تصمیم‌گیری و انتخاب در برابر او قرار می‌گیرد. او با بازگویی تجربه‌های شخصی خود، این اندیشه را از قلمرو نظری فلسفه به متن زندگی آورد. تغییر مسیر تحصیلی از علوم طبیعی به ادبیات، تصمیم به ازدواج با وجود مخالفت اطرافیان و انتخاب مسیرهای متفاوت در زندگی، نمونه‌هایی بودند که رضایی از آنها به‌عنوان تصمیم‌های مبتنی بر اختیار یاد کرد. او تاکید کرد که بخش مهمی از موفقیت‌های زندگی‌اش حاصل همین قدرت انتخاب و اراده فردی بوده است؛ هرچند در کنار آن، نقش دوستان خوب را نیز بسیار تعیین‌کننده دانست و گفت دوستان ارزشمند، دریچه‌های تازه‌ای به روی روح انسان می‌گشایند و افق‌های جدیدی از شناخت و تجربه را پیش روی او قرار می‌دهند. رضایی در واپسین بخش سخنانش، از عشق به ایران و گرگان گفت؛ عشقی که در تمام سال‌های زندگی و سفرهای متعددش همچنان پابرجا مانده است. او با اشاره به سفر به ده‌ها کشور، تاکید کرد که هیچ‌جا را به اندازه ایران و به‌ویژه گرگان دوست نداشته است. او همچنین از احساس غربتی سخن گفت که گاه به سراغش می‌آید؛ احساسی نزدیک به همان دلتنگی و اشتیاق بازگشت که در شعر محمود درویش حضور دارد و با موسیقی مارسل خلیفه در جان و دلش طنین‌انداز می‌شود. رضایی در پایان، از دیدار با حاضران ابراز خرسندی کرد و گفت که این مراسم انرژی بی‌نظیری به او بخشیده است. او برای همه آرزوی شادی و تندرستی کرد. سخنان رضایی در آستانه نودسالگی، تصویری روشن از انسانی ارائه می‌کرد که گذر زمان، نه از شوق آموختن او کاسته و نه از میلش به تجربه و انتخاب. مردی که همچنان با ادبیات زندگی می‌کند، شعر را از زبان‌های دیگر به فارسی می‌سپارد تا میان فرهنگ‌ها پلی بزند، از فلسفه برای فهم بهتر زندگی بهره می‌گیرد و در نهایت، ریشه‌های عاطفی خود را در عشق به مادر، خانواده، دوستان، ایران و گرگان جست‌وجو می‌کند. بیست‌وششمین دورهمی فرهنگی سرای فرهنگ و رسانه در گرگان، بیش از آنکه مراسمی برای یادکرد از یک پیشکسوت باشد، فرصتی برای بازاندیشی در معنای اثرگذاری فرهنگی و تربیتی بود. روایت‌های مطرح‌شده در این نشست نشان داد که شخصیت پرویز رضایی را نمی‌توان تنها با عناوینی چون نقاش، مولف، مترجم یا معلم معرفی کرد. او در کنار فعالیت‌های هنری و ادبی، در پرورش نسلی از علاقه‌مندان فرهنگ و ادبیات نیز نقش داشته است؛ نسلی که هنوز پس از گذشت دهه‌ها، از آموزه‌های او سخن می‌گوید و خاطراتش را با احترام بازگو می‌کند. از استقلال‌خواهی در انتشار نشریه باران و تاکید بر اصالت مطالب و اندیشه‌های تازه، تا معرفی جهان ادبیات و هنر به دانش‌آموزان، از حمایت بی‌دریغ از فعالیت‌های فرهنگی دیگران تا ایجاد رابطه‌ای فراتر از مناسبات معمول معلم و شاگرد، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها در این مراسم بازخوانی شد که تصویری چندوجهی از یک شخصیت فرهنگی را ترسیم می‌کرد. در کنار این روایت‌ها، سخنان خود رضایی نیز نشان داد که چگونه یک عمر زیستن با کتاب، شعر، هنر و اندیشه می‌تواند در شخصیت انسان رسوب کند و او را حتی در آستانه نودسالگی، همچنان مشتاق کشف و آموختن نگه دارد. شاید مهم‌ترین پیام این بزرگداشت را بتوان در همان تعبیر علیرضا ابن‌قاسم جست‌وجو کرد که انسان‌های آگاه، خود را تکثیر می‌کنند. این تکثیر، نه با تکرار نام و خاطره، بلکه با انتقال اندیشه، پرورش استعداد، اعتماد به دیگران و آموختن شیوه درست دیدن و اندیشیدن تحقق می‌یابد. معلمی که شاگردش را به کتاب، هنر، تفکر مستقل و جست‌وجوی حقیقت علاقه‌مند می‌کند، در واقع بخشی از وجود خود را در آینده آن شاگرد به ودیعه می‌گذارد. از همین روست که نام برخی معلمان، با گذشت سال‌ها نه‌تنها فراموش نمی‌شود، بلکه در روایت نسل‌های بعد حضوری تازه می‌یابد. آنان در کلاس درس متوقف نمی‌مانند؛ در نوشته‌ها، انتخاب‌ها، رفتارها و مسیر زندگی شاگردانشان ادامه پیدا می‌کنند. بزرگداشت پرویز رضایی در گرگان، یادآور همین حقیقت بود؛ اینکه میراث حقیقی یک چهره فرهنگی، تنها آنچه از خود به جا می‌گذارد نیست، بلکه آن چیزی است که در جان دیگران می‌سازد. پرویز رضایی در آستانه نودسالگی، نه فقط خاطره‌ای از گذشته، بلکه صدایی زنده از تداوم فرهنگ و اندیشه است؛ انسانی که هنوز می‌آموزد، می‌آفریند، ترجمه می‌کند، انتخاب می‌کند و دوست می‌دارد.

# ۱۶۹ میلیارد ریال خسارت به سیل‌زدگان مینودشت پرداخت شد



فرماندار مینودشت از پرداخت ۱۶۸ میلیارد و ٦٤٠ میلیون ریال خسارت به صاحبان واحدهای مسکونی آسیب دیده ناشی از جاری‌شدن سیلاب ۱۸ و ۱۹ مهرماه امسال این شهرستان خبر داد و بیان کرد: براثر این واقعه طبیعی ۲۷۲ ساختمان بویژه در مناطق روستایی مینودشت دچار خسارت از ۱۰ تا ۸۰ درصدی شدند. به گزارش روابط عمومی، علیرضا مصطفی‌لو افزود: به صاحبان این واحدهای مسکونی از ۲۰۰ میلیون ریال تا یک میلیارد ریال و به‌طور میانگین هر واحد ٦۲۰ میلیون ریال خسارت نقدی پرداخت شد. وی با یادآوری جاری شدن سیلاب مخرب روزهای ۱۸ و ۱۹ مهرماه امسال، گفت: براثر بارش‌های شدید و رگباری ۲ روز اشاره شده، ۱٤۷ میلی‌متر باران در دهستان کوهستانی «قلعه قافه» که بیشترین میزان بارش در استان گلستان بود و یا ۱۲۰ میلی‌متر در روستای «ساسنگ» و ۹٦ میلی‌متر در شهر «دوزین» این شهرستان ثبت شد.مصطفی‌لو اضافه کرد: براثر این سیلاب‌ها، خسارات سنگینی به بخش‌های گوناگون مینودشت از جمله راه‌های ارتباطی، زیرساخت‌های آب، برق، اراضی کشاورزی و منازل مسکونی برخی روستاهای این شهرستان شده وارد شد.وی تصریح کرد: مطابق برآوردهای انجام شده توسط کارشناسان دستگاه‌های اجرایی و خدماتی مینودشت، مجموع خسارات وارده به بخش‌های اشاره شده این شهرستان، ۱۵ هزار میلیارد ریال بود.فرماندار مینودشت همچنین با اشاره به سفر برخی مقامات ملی از جمله معاون هماهنگی پیشگیری و کاهش خطرپذیری سازمان مدیریت بحران، رئیس هیات مدیره و مدیرعامل صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان و معاون سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای کشور، استاندار و معاونین و برخی مدیران کل ادارات و نهادهای گلستان از مناطق سیل‌زده این شهرستان، گفت: پیگیری‌ها و تصمیمات خوبی برای جبران بخشی از خسارات وارده به مردم انجام شده که قابل قدردانی است. مصطفی‌لو بابیان اینکه در سیلاب مهرماه امسال بیشترین خسارت به حوزه راه‌های ارتباطی و کشاورزی مینودشت وارد شد، افزود: تصمیمات خوبی برای تامین منابع اعتباری و جبران خسارت در این ۲ بخش گرفته شد. وی اضافه کرد: پس از خسارت و تخریب ۱۲ نقطه از راه‌های ارتباطی مناطق روستایی (۲۰ روستا) مینودشت ۵۰ دستگاه انواع ماشین آلات راهسازی از شهرستان‌های ۱٤ گانه گلستان و نیز ۲ استان مازندران و خراسان شمالی به این شهرستان آمدند و در چند روز ۱۲ هزار تن انواع مصالح برای ترمیم نقاط تخریب شده جابه‌جا شد تا شرایط برای تردد موقت مردم فراهم شود. مصطفی‌لو، برآورد نهایی خسارت به جاده‌های مینودشت براثر سیلاب مهرماه امسال را ٤۵۰۰ میلیارد ریال اعلام کرد و ادامه داد: ٦۰۰ هکتار از مزارع زعفران این شهرستان متعلق به ۳٦۰۰ خانوار از ۵ تا ۷۰ درصد و ۲۵۰ هکتار دیگر هم مربوط به شالی، توتون و دانه روغنی کلزا خسارت دید. به گفته وی، باتوجه به بیمه نبودن بیشتر مزارع خسارت دیده، تصمیماتی برای پرداخت تسهیلات ارزان قیمت به کشاورزان خسارت دیده گرفته شده که در مراحل نهایی برای پرداخت است. فرماندار مینودشت همچنین با اشاره به حضور کاروان سلامت جمعیت هلال احمر گلستان درمناطق سیل‌زده این شهرستان، بیان کرد: تیم‌های پزشکی (متخصص قلب، اطفال، زنان و زایمان و دندانپزشکی) این نهاد در مجموع به ۳٥٤ نفر خدمات ویزیت و داروی رایگان ارائه دادند. به گفته مصطفی‌لو، توزیع ۱۷۲ بسته اقلام زیستی و غذایی توسط جمعیت هلال احمر و نیز توزیع ۱۰۰ بسته حمایتی توسط ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) از دیگر اقدامات انجام شده برای سیل‌زدگان مینودشت بوده است.

## عبور از اقتصاد تک محصولی راهبرد کاهش تورم

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان با تاکید بر پایین بودن درآمد مردم استان، گفت: مهمترین راهبرد کاهش تورم در گلستان، عبور از اقتصاد تک‌محصولی و توسعه زنجیره‌های ارزش است. به گزارش ایرنا، عبدالعلی کیان‌مهر در نشست با اساتید اقتصاد دانشگاه‌های گلستان، اظهار کرد: بهره‌گیری از ظرفیت علمی دانشگاه‌ها نقش مهمی در شناسایی ریشه‌های تورم و اصلاح مسیر توسعه اقتصادی استان در شرایط فعلی دارد و در این راستا، مدیریت استان با رویکردی بی‌طرفانه از نقدهای کارشناسی و دیدگاه‌های نخبگان برای رفع چالش‌های اقتصادی گلستان در مسیر کاهش تورم استقبال می‌کند. معاون استاندار گلستان با اشاره به پایین بودن سطح درآمدی به‌عنوان یکی از عوامل تورم در استان، گفت: تغییر رویکرد از اقتصاد صرفا کشاورزی به سمت تجارت، توسعه زنجیره‌های ارزش، فعال‌سازی منطقه آزاد اینچه‌برون، جذب سرمایه‌گذاران بزرگ و اجرای مگاپروژه‌های پیشران از راهبردهای اصلی افزایش درآمد و رونق اقتصادی گلستان محسوب می‌شود. کیان‌مهر از کاهش میانگین زمان پاسخگویی به استعلامات سرمایه‌گذاری از ۱۳۹ روز به ۲۹ روز خبر داد و افزود: تسهیل فضای کسب‌وکار، رفع موانع تولید و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام از جمله صنایع تبدیلی و سردخانه‌ها با هدف جلوگیری از خام‌فروشی و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی در اولویت مدیریت استان قرار دارد. وی همچنین تسهیل‌گری، رفع موانع تولید، توسعه صادرات به کشورهای آسیای میانه، توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر و اجرای مگاپروژه‌ها را پنج محور برنامه عملیاتی استان برشمرد. معاون اقتصادی استان گلستان اوایل سالجاری هم در نشست تنظیم بازار استان با اشاره به ثبت تورم سه‌رقمی در استان، گفت: وضعیت تورم استان با وجود ظرفیت‌های گسترده کشاورزی و تولیدی، قابل قبول نیست و قرار گرفتن گلستان در میان استان‌های دارای تورم بالا، نیازمند آسیب‌شناسی و اقدام فوری است. وی از فرمانداران و دستگاه‌های متولی خواست راهکارهای عملیاتی برای کنترل تورم و کاهش آن تا سطح میانگین کشور ارائه دهند.


## آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده انجمن صنفی کارفرمایان کارخانجات آجر ماشینی استان گلستان

**بدینوسیله از کلیه اعضا محترم انجمن صنفی آجر دعوت بعمل می آید**

**تا در جلسه مجمع عمومی عادی در تاریخ ۱٤۰۵/۰۹/۲۳ در محل گرگان- برج سرمایه- طبقه ۹- واحد ۹٤ برگزار می شود، حضور بهم رسانند.**

**دستور جلسه:**
- گزارش عملکرد هیات مدیره و بازرس قانونی
- تعیین روزنامه کثیرالانتشار
- انتخاب هیات مدیره انجمن و بازرسین
- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد

**هیات مدیره انجمن صنفی آجر استان گلستان**


### معماری داستان امروز

## تکرار با تفاوت؛ بازخوانی وسواس گون یک صحنه

**یوسف قوچّق ۱۹**

در داستان‌نویسی سنتی، هر واقعه معمولاً یک بار اتفاق می‌افتد، گزارش می‌شود و کاروان روایت پیش می‌رود. اما در تکنیک مدرن «تکرار با تفاوت»، راوی یک رخداد کانونی واحد (مانند تصادفی مرگبار، تصمیمی سرنوشت‌ساز یا خروج ناگهانی معشوق از خانه) را بارها و بارها با اندکی دست‌کاری، تغییر جزئیات و چرخش زاویه دید از نو بازگو می‌کند. این شیوه، بازتاب زیباشناختی ذهن وسواسی و روان‌نژندی است که در تمنای تغییر گذشته تقلا می‌کند. آثاری چون فیلمنامه کلاسیک «راشومون» و رمان‌های تجربی معاصر نشان دادند که بازگویی مکرر یک صحنه، به معنای درجا زدن پیرنگ نیست؛ بلکه نشان‌دهنده سیال بودن و ناپایداری حقیقت است. راوی در روایت اول، واقعه را انکار می‌کند، در روایت دوم با خشم آن را مقصر دیگران می‌داند و در روایت سوم به حقارت و درماندگی خودش اعتراف می‌نماید. هر دورِ تکرار، لایه‌ای از گوشت و پوست خودفریبیِ شخصیت را جدا می‌کند تا خواننده به هسته سوزان و پنهان واقعه نزدیک‌تر شود.

### هشدار کارگاهی بسیار حیاتی:

لغزش بزرگ در این تکنیک، ایجاد ملال و یکنواختی مرگبار است. اگر بازگویی صحنه در بار دوم و سوم، بار معرفتی یا افشاگری روان‌شناختی تازه‌ای به همراه نداشته باشد، مخاطب به حق متن را کنار خواهد گذاشت. «تکرار» زمانی ارزش ادبی پیدا می‌کند که با «تغییری سرنوشت‌ساز» همراه باشد؛ تغییری در یک مکث کلامی، لحن نگاه یا اعترافی دیرنگام که معنای روایت‌های پیشین را یک‌سره واژگون سازد. تکرار، تمهیدی برای عمیق‌تر شکافتن زخم است، نه ابزاری برای پر کردن صفحات سفید رمان.





# یادداشت دبیر صفحه

## شتاب برای کتاب نوشتن



آزاده حسینی

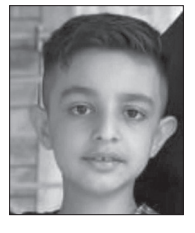
هفته کتاب؛ خواندن یا نویسنده شدن؟
هفته کتاب، بهانه خوبی است برای خریدن کتابی تازه، قدم زدن میان قفسه های کتاب فروشی‌ها و نمایشگاه ها و پیدا کردن اثری که ما را به جهان دیگری ببرد. اما در روزگاری که فرصت خواندن برای بسیاری از کودکان و نوجوانان کمرنگ شده، گاهی شوق کتاب نویس شدن زودتر از علاقه به کتاب خواندن سر برمی آورد.
نوشتن ارزشمند است، اما نویسنده شدن از «خواندن» آغاز می شود. کودکی و نوجوانی زمان کشف، تجربه، پرسیدن و آموختن از جهان و کتاب هاست. پیش از آنکه از همین کودکی و نوجوانی بخواهید کتابی بنویسید، به خود فرصت دهید کتاب های بسیار بخوانید؛ جهان های گوناگون را بشناسید و تجربه کنید. شاید بهترین هدیه هفته کتاب، همین فرصت خواندن باشد.





مهراد پیری

یکی بود یکی نبود. روزی روزگاری یک قورباغه کوچک داشت در برکه زلالی شنا می کرد. ناگهان یک ماهی بزرگ به او نزدیک شد و با مهربانی به او گفت: «سلام می آیی با هم بازی کنیم؟» اما قورباغه تا چشمش به ماهی افتاد از ترس خشکش زد و با سرعت فرار کرد. می دانید چرا؟ چون ماهی خیلی بزرگ بود و قورباغه فکر می کرد او خیلی ترسناک و زشت است. ماهی هم چون ظاهرش ترسناک بود. هیچ دوستی نداشت و تنها بود. در همان لحظه خرچنگ مهربانی از راه رسید. جلو آمد و با صدای محکم گفت: «نترس دوست من! من با تو بازی میکنم چون ظاهر هرکس مهم نیست مهم قلب مهربان اوست.» ماهی با شنیدن این حرف از خوشحالی بال درآورد. آن روز خرچنگ و ماهی با هم کلی بازی کردند و قول دادند تا همیشه با هم دوست بمانند.



آرسام تازیکه

یکی بود یکی نبود. بزی بود به نام پشمالو که در یک روستا زندگی می کرد. شمالو خیلی شکمو بود و هر چیزی را که می‌دید، دوست داشت بخورد! یک روز خیلی گرسنه بود و اولین چیزی را که دید لباس بود. شروع کرد به خوردن لباس‌ها! هنوز نصف پیراهن را نخورده بود که صاحب خانه بیرون آمد و با تعجب گفت: «آهای بز! داری لباس من را می‌خوری؟!»
بز بیچاره ترسید و فرار کرد، اما یک تکه از پیراهن هنوز در دهانش بود! صاحب خانه خندید و گفت: «اگر گرسنه‌ای، علف بخور، نه لباس من!»
از آن روز به بعد، پشمالو دیگر به لباس های روی بند نزدیک نشد. البته یک روز جوراب همسایه را دید و چند دقیقه با خودش فکر کرد که: «نکند آن هم کاهو باشد!» ما زود پشیمان شد و با خودش گفت: «این شبیه کاهو نیست» و آن را نخورد بعد از آن قبل از خوردن کلی دقت می کرد.



## جادوی شماره هشت در باشگاه نیوکمپ

ماتیسا حسینی

هوای بارسلون خنک و دل انگیز بود. بوی قهوه تازه از کافه‌های دور میدان در خیابان ها پیچیده بود و صدای خنده‌های فلورا و لورا توی کوچه‌های باریک و سنگفرش محله گوتیک پیچیده بود. فلورا در حالی که شال گردن اناری و آبی بارسلونا رو دور گردنش سفت می کرد، با چشم های برق زده به ویترین یه مغازه قدیمی و تاریک خیره شد. لورا کلید هایش را چرخوند و گفت: «هی فلورا، کجایی دختر؟ کافه اون سمت بود! داری به چی نگاه می‌کنی؟» فلورا انگشتش رو به سمت شیشه کدر مغازه گرفت و گفت: «لورا... اونجا رو نگاه کن! یه چیزی توی اون مغازه داره چشمک می زنه!» دو تایی با شیطنت وارد مغازه شدن. بوی خاک و کتاب های قدیمی و رطوبت می اومد. پیرمرد صاحب مغازه، با عینک ته استکانی‌اش روی صندلی چرمی نشسته بود و لبخند مرموزی می زد. وسط قفسه ها، روی یک مانکن چوبی که کلاه کپ سرش بود، یه پیراهن کلاسیک بارسلونا خودنمایی می‌کرد؛ پیراهنی با راه راه اناری و آبی، و پشتش عدد طلایی هشت با فونتی قدیمی حک شده بود. فلورا بی‌اراده دستش رو دراز کرد و پارچه نرم پیراهن رو لمس کرد. بلافاصله، حس عجیبی مثل برق گرفتگی داشت. بی‌اختیار گفت: «باید امتحانش کنم!» و سریع پیراهن رو روی هودی اش پوشید. همون لحظه، دنیای دور سرش شروع به چرخش کرد! رنگ های مغازه محو شدن، بوی قهوه جاش رو داد به بوی چمن ورزشگاه نیوکمپ، و صدای بلند فریاد هزاران هوادار توی گوششون پیچید: «بارسا! بارسا! بارسا!» لورا چشم هاش رو مالید و با تعجب فریاد زد: «فلورا... ما... ما کجاییم؟! اینجا دیگه کجاست؟!
فلورا به پایین نگاه کرد. پیراهن شماره ۸ تنش بود و روی سکوهای استادیوم نشسته بودن، اما نه... صبر کن! اونا دیگه روی سکو نبودن؛ فلورا وسط مستطیل سبز ایستاده بود و توپ زیر پاش بود! چند قدم اونطرف تر، پدری با همون لبخند معروف و تکنیک نابش داشت به سمتش میدوید و فریاد می زد: «هی فلورا! منتظر چی هستی؟ پاس بده، بازی از دست رفت!» لورا که روی نیمکت مربیان پرت شده بود، از جاش پرید و داد زد: «فلورا!!! پاس بده به پدری!» فلورا نفس‌نفس می‌زد. قلبش داشت از سینه‌اش می‌زد بیرون. روی تابلو بزرگ استادیوم، ساعت معکوس شروع به کار کرده بود ۰۰:۰۰:۰۲ تا طلوع آفتاب و بسته شدن دروازه زمان!
توی این دنیا، بارسا باید توی یه مسابقه خیالی و پرهیجان از رقیب دیرینه اش ببرد و اگر فلورا نتونه با کمک پدری و تکنیک شماره هشت، وسط زمین معمای بازی رو حل کنه، هم خودش برای همیشه توی رویا گیر می افته، هم بارسای واقعی توی دنیای واقعی بازی مهم رو می‌بازه!
فلورا توپ رو لمس کرد؛ حس عجیب فوتبالی توی رگ‌هاش جریان پیدا کرد. به پدری نگاه کرد که چشمک زد و گفت: «آماده‌ای برای یه شب جادویی؟»



## درخت قدیمی

ویانا روح افزایی

یکی از آرزوهام این بود که با درخت ها گفتگو کنم با هم درد و دل کنیم و من از روزمره هایم بهش بگم، البته ن این کارو می کنم ولی فکر نکنم درخت ها توانایی اینو داشته باشند که به حرف های من گوش کنند و با من صحبت کنند.
امروز رفتم پیش درختی که ته حیاط خونمونه، یه درخت خیلی بزرگ و قدیمی. بابام می گفت وقتی پدربزرگم به دنیا اومد اون درخت رو کاشتن. امروز رفتم کنارش نشستم. دیگه حرفی برای زدن نداشتم. دوست داشتم این دفعه اون از مشکلاتش بهم بگه. چیزهایی که این همه سال دیده اتفاق‌هایی که براش افتاده ولی اینها فقط خیال بود همچین اتفاقی اصلاً نمی افتاد. سرمو گذاشتم رو تنه درخت و چشمامو بستم داشتم فکر می‌کردم که اگه درخت با من حرف می زد چی می‌شد؟! که یک دفعه صدایی رو شنیدم که گفت: « چرا این همه وقت فکر می‌کردی کسی حرفاتو گوش نمیده من نمی‌تونم حرف بزنم»!داشتم دنبال صدا می‌گشتم کسی دور و ور نبود که باهام حرف بزنه که ناخودآگاه ذهنم رفت سمت درخت، برگشتم و با شک گفتم: «تو داری باهام حرف می زنی؟!» با دستم ضربه ای به سرم زدم و گفتم: «نه این امکان نداره یک درخت چطور می تونه حرف بزنه؟! دختر رسماً دیوونه شدی؟!»
و درخت شروع کرد به حرف زدن، از دردهاش گفت از روزهایی که بعد از مرگ پدربزرگم دیگه کسی بهش سر نزد و بهش آب نداد.اینطور که فهمیدم روزهای خوبش فقط با پدربزرگم بود و بعد از فوت پدربزرگم چیزی جز درد و رنج نکشید بود. دلم براش سوخت از اینکه خواستم باهام حرف بزنه پشیمون شدم. اینجا بود که فهمیدم کسی رو نباید از روی ظاهر قضاوت کرد.



## یک روز کاملا معمولی پر از (ت، ط)

بهار جام خورشید

با آفتابی که به صورتم خورد، از خواب نازم بیدار شدم. به طرف دستشویی رفتم دست و صورتم را شستم و به سمت اتاقم رفتم. لپتابم را روشن کردم و ترانه ای گذاشتم و اتاقم را تمیز کردم. بعد تمیز شدن اتاقم ترانه را قطع کردم و لپتابم را خاموش کردم و با سرعت چیتا به سمت آشپزخانه رفتم. مربای توت را گذاشتم روی میز و نان تافتون را هم برداشتم و شروع کردم به خوردن صبحانه. بعد تمام شدن صبحانه ظرف ها را شستم و به طرف اتاقم رفتم لباس هایم را پوشیدم و مضرابم (چوبی که با آن سنتور می نوازند) و کتابم را گرفتم و توی کیفم گذاشتم و به سمت کلاس سنتورم راه افتادم. وقتی به کلاس رسیدم خانم طاهری (منشی آموزشگاه) با تعجب نگاهم کرد و گفت: «سلام تو چرا اومدی؟»
رفتم سمت خانم تینا طاهری و گفتم: «سلام، امروز من ساعت هشت کلاس سنتور دارم.»
خانم طاهری دفتری که دستش بود را ورق زد و گفت: «من مگه با شما تماس نگرفتم که امروز استاد نیست! نیای؟»
کیفم را دستم گرفتم و گفتم: «نه شما به من اطلاع ندادید.»
خانم طاهری دفترش را بست و گفت: «من تماس گرفتم. دختری جواب داد. فکر کنم خواهرت بود. ستایش، درسته؟» سری به عنوان بله تکان دادم و ادامه داد: «بهش گفتم که بهت بگه که امروز نیای خانم طناز تنومند نیست.»
کیفم را دوشم کردم و گفتم: «خانوادم رفتن مسافرت من به خاطر کلاس هام و مدرسه ام نرفتم و خواهرم به من اطلاع نداد. حالا اشکال نداره میرم فقط اینکه جبرانی نمیذارین؟!»
جواب داد: «آره فرا ساعت هفت بیا!» خداحافظی کردم و رفتم به طرف خانه رفتم. وقتی که رسیدم هوا تاریک شد به سمت اتاقم رفتم لباسم را عوض کردم و روی تختم دراز کشیدم و خوابیدم.



## خانه کرم

زهرا مازندرانی

در یک روز پاییزی، ناگهان هوا سرد شد و ابرهای خاکستری به آسمان آمدند. از برخورد ابرها، رعد و برقی زد و قارچ قهوه ای بزرگی روی زمین سبز شد. اما در میان ماجرا کرمی به دنبال خانه ای در روز بارانی می گشت.
چشمش به قارچ قهوه ای افتاد. کرم با خودش گفت: «وای این خانه من می‌شود!» پس به دنبال دوستانش عنکبوت، کفشدوزک، زنبور، هزارپا، سوسک و کرم شب تاب رفت؛ اول باید از عنکبوت کمک می‌خواست تا برایش پتو، پرده و بالشت درست کند. پس به عنکبوت مهربون گفت: «می‌شود برای من پتو و پرده و ... ببافی؟»
عنکبوت گفت: «بله که میشه، چرا که نشه!»
پس یک قسمت خانه ساخته شد ولی باز هم بود. و به دنبال کفشدوزک رفت و گفت: «میشه برام گل بیاری؟»
کفشدوزک جواب داد: «چشم، برات میارم!»
به دنبال کسی می‌گشت که داخل قارچ رو خالی کنه و دوستانش گفتند: «بهترین هزارپا هستش» به دنبال او گشتند و بالاخره پیدایش کردند و گفتند: «میشه داخل قارچ رو برام خالی کنی و او هم مثل بقیه گفت: «بله که میشه!» و حالا به دنبال کرم شب تاب رفت تا چراغ را برایش

بگذرد. کرم شب تاب برای خانه کرم چراغ های رنگی زیبا گذاشت. و خب اینقدر خانه بزرگ و زیبا شد که دیدنی بود. کرم با صدای بلند گفت: «اینقدر خانه خوشگل و قشنگ شده که برای یلدا میشه استفاده کرد و همه دوستان کنار هم جمع بشیم، فقط به یک کدوی نارنجی نیاز داریم تا...»



***گیسو**

**ستاره گودرزی (دو اثر)**

گیسوی کمندش برد از ما دل و هوش را
کسی به او گوید که گیسویش دیوانه میکند ما را؟
دل را به کجا بردی؟
چرا دگر پسش نیاوردی؟
این دل چه کند با عشق تو جانا
که تو جان را ز این بدن بردی!

***دانه**

دانه ای بودم ز خاک
نیاز داشتم به آب
بارانم شدی
سیرابم کردی ز آب
جان دادی به من
شدی یک معجزه
در اعماق جان من
چه گویم که تو را
که جان ما شدی
برای درد ما یک درمان شدی



**هلیا رسولی**

گنجشک تازه وارد دنیای جدید شد. مادر گنجشک همیشه بچه اش را دوست می داشت. یک روزی مادر گنجشک رفت تا غذا پیدا کند شکارچی از دور آمد و مادر گنجشک را شکار کرد و کبوتر از دور این صحنه را دید و پیش بچه گنجشک رفت گفت: «باید ساکت باشی تا دارکوب را خبر کنم از تو مواظبت کند.»کبوتر پیش دارکوب رفت. گفت: «برو پیش بچه گنجشک» و برای بچه گنجشک روی تنه درخت لانه ساخت تا او در امان باشد. کبوتر رفت و کبوترهای دیگر را خبر کرد تا نقشه بکشند. به پشت درخت رفتند دختری کوچک از دور آنها را دید و رفت و پرسید: «کمک می خواهید؟»گفت: »آره باید از دست شکارچی در امان باشیم تا آسیبی نزند» نقشه کشیدند و عمل کردند. برایش زیر زمین تله کند و یکی از کبوترها رفت نزدیک تله نشست. بعد شکارچی متوجه آن شد و رفت تا آن را بگیرد افتاد در تله و همه خوشحال بودند. دارکوب، کبوتر و بچه گنجشک در کنار هم به خوبی زندگی کردند و دختر بچه برای آنها غذا می آورد.



**زمستان**

**فاطمه مزنگی**

صدای قدم هایی چکش مانند و تلخ در هوای سرد زمستان طنین انداز شد. آهسته آهسته، با قدم هایی که با نظم و هدفی مشخص به سوی او می آمدند. امیدوار بود که اشتباه تصور می کند. اما از بدشانسی او، قدم های چکش مانند روبه روی او متوقف شدند. نگاهش به کفش های چرمی واکس خورده مشکی خیره ماند. آب دهانش را قورت داد که باعث شد سیبک گلویش چند بار بالا و پایین بشود. آهسته نگاهش را بالا آورد. قلبش در سینه می‌کوبید و نگاهش مانند پرنده ای به دام افتاده دو دو می زد. سرش را به حدی بالا برد که نگاهش به چشمان آن غریبه ی آشنا برسد. حرف هایی در نگاهش موج می‌گرفتند و به خاک می نشستند. هیچکدام بر زبانش جاری نشد. لب هایش را محکم بر هم می‌فشرد تا واژه ای جرات نکند پا به فرار بگذارد. سرش را پایین انداخت و در حالی که با سبزه کنار پاهایش بازی می کرد گفت: «چیزی نمی‌خوای بگی؟!» سکوت جوابش را داد. جوابش همین بود و حرفی برای گفتن باقی نمانده بود. دستش را به زمین فشار داد و از جایش بلند شد. جلویش ایستاد. هنور هم باید سرش را برای دیدنش بالا می برد. حتی حالا هم این موضوع اعصابش را خرد می کرد. در دل آهی کشید و با صدایی آرام گفت: «این پایانه! مگه نهه؟!» پوزخندی تاریک بر لبانش نقش بست. چرا جواب نمی داد. مگر برای کشتن او نیامده بود؟!

+هی یه چیزی بگو! هرچیزی. فقط... یه چیزی...

–خودتم می‌دونی که هیچ چاره ای نداشتم. اما این مهم نیست. از اولش هم میدونستی پایانش قراره اینجوری باشه. مگه نه؟! پشیمون نیستم. پس بیا تمومش کنیم.

لبخندی تلخ... صدایی برنده و خاردار... و چشمانی مرده بعد ثانیه های طولانی بالاخره به حرف آمد.

+برو!

+چی؟! منظورت چیه؟!

چشمانم را در به پشت سر او دوختم. چند پلیس دیگر در حال نزدیک شدن بودند. فرصتی نبود. این احمق داشت همه چیز را خراب می کرد. سریع تفنگ را از دست هایش بیرون کشیدم و روی سرم گذاشتم: «زمانی نمونده!» با چشمانی به خون نشسته نگاهم می کرد. با دندان هایی به هم چفت شده گفت: «بیارش پایین! هنوز... هنوز میشه یه کاری کرد. فقط کافیه هر حرفی بهت میزنم رو بهشون بگی! فقط قبولش کن!» صدایش اوج گرفت: «لعنت بهت. تو باید زنده بمونی! من... من به خاطر تو پلیس شدم. برای اینکه... » اشک در چشمانش حلقه زده بود. بغض گلویش را می‌خراشید: «تو باید زنده بمونی!» با کلافگی و حس بی قدرتی دستش را در موهایش برد و آن ها بهم ریخت. خندیدم. با صدای بلند خندیدم و گفتم: «بقیه اش رو به تو می سپارم». و ماشه را فشار دادم. اینجا پایانش بود. در این زمستان سرد و هوای تاریک که با بوی باروت و گلوله ها پر شده بود. اینجا آخرین صفحه زندگی من بود.



## خاطرات آقای بخاری

**پرنیافغانی**

ما انسان ها همیشه از دید خودمان دنیا را زیر نظر گرفته ایم و رفتارهای سگ ها و گربه ها همیشه برایمان عجیب بوده است؛ اما به نظر شما، این رفتارها از دید چیزهای دیگر چگونه است؟

سلام! من آقای بخاری هستم. تقریبا دوازده سال دارم. به نظر ما بخاری ها، در این سن پیر محسوب می شوم. در این دوازده سالی که در این خانواده بوده ام، همه چیز دیده ام؛ از شب های شادشان گرفته تا روزهای غمگینشان، از گربه ای که یک ماه مهمانمان بود و غیره. تقریباً بعد از عید ۱۴۰۴ بود که یک موجود پشمالوی کوچک به خانه ما اضافه شد. اوایل فقط در اتاق یاسمین می خوابید، اما کم کم تنها جایی که می‌توانست با خیال راحت بخوابد، بغل مادر خانواده بود. باورم نمی شد! همان مادری که به ورودش راضی نبود، حالا به او وابسته شده بود. اما پدر خانواده که عاشق سگ ها بود، برای دوری از وابستگی زیاد به او نزدیک نمی شد؛ ولی کم‌کم او هم نرم شد. اسم این موجود پشمالو، وایتی بود؛ سگ کوچکی که در سال ۱۴۰۳ متولد شد. اوایل، وقتی مادرجون به خانه ما می آمد، از موهای وایتی دوری می‌کرد و وایتی را داخل اتاق می گذاشتند؛ اما کم کم او هم عادت کرد و با وایتی دوست شد. باورم نمی‌شد که چطور این گلوله پشمی، با انرژی و مهربانی اش دل همه را نرم می کرد. اما خیلی مظلوم بود. راستش را بخواهید، بعد از تقریباً دو سال هنوز هم درکش نکرده ام. هر بار که مادر و پدر و یاسمین از خانه بیرون می‌روند، وایتی هیچی نمی خورد، لباس آن ها را می گیرد و کنار در دراز می کشد. و وقتی برمی‌گردند، عین دیوانه ها بالا و پایین می پرد. یکی نیست بهش بگه: اینا کلاً یک ساعت بیرون بودن، چرا جوری رفتار می‌کنی انگار صد ساله ندیدیشون!

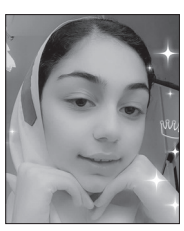


**اهورا بالاخلی**

روزی روزگاری جوجه تیغی کوچولویی توی یک جنگل سرسبز و و خوش آب و هوا کنار خانواده اش زندگی می کرد.جوجه تیغی کوچولوی مادیگه امسال مدرسه می‌رفت. یه روز صبح مثل روزهای گذشته از خواب بیدار شد،دست و صورتشو شست. صبحونه اش رو خورد و راهی مدرسه شد. اون همراه بچه های دیگه وارد کلاس شد. معلم وارد شد. دانش آموزان که انواع حیوون ها بودن برای معلم از جاشون بلند شدن. معلم بلافاصله حضور و غیاب رو شروع کرد. اسم چند تا از بچه ها رو خوند. وقتی به اسم جوجه تیغی رسید چند بار اونو صدا کرد و جوجه تیغی جوابی نداد. چون به فکر فرو رفته بود و صدای معلم را نشنید. معلم صدا زد: جوجه تیغی!

جوجه تیغی!

جوجه تیغی با دستپاچگی جواب داد: «بله بله خانم معلم؟!» معلم پرسید: «به چی فکر میکردی؟!» جوجه تیغی گفت: «داشتم فکر میکردم که پدر بزرگم کی میاد خونمون چون دلم براش تنگ شده» معلم گفت: «یک پیشنهاد برات دارم!» جوجه تیغی با خوشحالی پرسید» «چی؟!» معلم گفت: «بعد از تعطیل شدن مدرسه برو به دیدن پدر بزرگت شاید اون کار داشته باشه و نتونه بیاد خونتون ولی تو میتونی بری پیشش حتما از دیدنت خوشحال میشه» جوجه تیغی از پیشنهاد معلم خوشش اومد و با خودش گفت: «حتما این کارو میکنم و تا آخر وقت کلاس خوشحال بود که امروز قراره به دیدن پدربزرگش بره و بعد از مدرسه به مزرعه پدربزرگش رفت و دلتنگیش با دیدن پدربزرگش برطرف شد».



## آخرین فصل

**اسرا سقائی**

حوالی روزهای اول سال بود، تمامی چشمه ها آبی زلال در دل خود جای کردند و درختان لباسی نو به تن کردند. دو برگی که فاصله شان نه چندان نزدیک اما به دوری دو قطره باران در ابرهای فراوان، آویخته بر درخت هلو از نگاره درخت مواظبت میکردند. سال ها گذشت... در مهرماه بود که تمام زمین لباس رنگی پسندشدن و برگ درختان رنگ سبز را پس زده و به رنگ زرد روی آورده بودند گاهی هم رنگ نارنجی را از آن خود می کردند. هلو، غنچه دل دو برگه سال خورده بزرگ شد. در میان رویاهای بی پروای دو برگ که تا به اینکه بیشتر به پدر و مادر شناخته شوند به کنیز و نگهبان هلو شناخته میشدن مانعی قرار میگرفت که باعث هراس از آینده ای خموش میشد. آنها از آن روزی میترسیدند که پاره ی تنشان از مرکز قلبشان دور شود. هرگاه که به لحظه جدایی فکر میکردند آسمان همچو رفیق بر سر آن برگان غریب میریخت. روزها گذشت... نخستین روزی که برایشان مبهم بود، رسید. کودکی چند ساله جگر گوشه شان را بگرفت و سر برید.... آه که بر دل مادر چه گذشت. در همان روز صاعقه مانند تبر و باران مانند خون و درخت مانند پلی شکسته که مانعیست برای رسیدن به فرزند پدید آمد. از فروبستن چشمان کودکی چند ساله چیزی نگذشته بود. بعد از آن زندگی برای پدر و مادرش مانند نور و ظلمت رهگذر بود. در تمامی گذر بی صدای زندگی پاییز، یادگاری از کودک به والدینش بود. پدر خدا را چنین گفت: «بس نیست که گرداندی به ما روی بد خود؟» برگ های دیگر روزهای بعد از این دو برگ را روز غروب پاییز می نامیدند. در یک روز بارانی باد که دشمنی دیرینه با این دو برگ بود نقشه ای برایشان ساخت. در روزی که نسیم به نوازش برگ ها پرداخته بود، همان روزی بود که باد باید نقشه اش را به کرسی می نشاند. باد میان دوراهی گیر کرده بود. آیا باید برگ ها را میبخشید یا نباید لحظه ای رحم از خود نمایان می کرد؟ او گزینه دوم را نهاد کار خود گرفت و کارش را افتتاح کرد. باد نسیم را دور کرد و به طرف آن دو برگ شتافت و ناگهان... ناگهان مادر برای باری دیگر سوختگی عمیق بر قلبش حس کرد. شروع به گریه کرد. برگ وقتی دید که همسرش دارد بی تابی میکند بیتی از غزلی خواند: «الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها/ که عشق آسان نمود، اول ولی... افتاد مشکل ها» سپس در ره باد فدا شد. از آن پس آن روز را روز «گسست بی صدا» خواندند.



## گرگ و میش

**معصومه سادات حسینی**

لب ساحل بودیم و چشم به گرگ و میش دریا دوخته بودیم، که تو نشنیدی چه به تو گفتم.....

چه حیف که صدای موج، گرگ و میش درونم را به تو نرساند. و حالا سال هاست که به همین ساحل می آیم، به همین گرگ و میش خیره می شوم، و همان حرف را برای دریا تکرار می کنم. هربار با خودم می گویم شاید این بار، سکوتِ میانِ ما رساتر از صدای موج باشد، شاید این بار حرف دلم به تو برسد. اما موج ها هنوز هم بلندتر از من حرف می زنند، و من هنوز هم همان حرفِ نشنیده را برای دریا می گویم. برای باد، برای آسمان بیکرانِ، برای هر چیزی که شاید روزی آن را به تو برساند و شاید روزی تو هم بیایی، به همین ساحل، با همان گرگ و میش،

و این بار نه با زمزمه، که با تمام وجودم، بشنوی چه می خواستم به تو بگویم.



آگهی ثبتی

## آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ – آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱–رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۴۰۹ در پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۶۶۴ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای احمد جعفری زاده فرزند مصیب مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۵/۱۶ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۱۹۶ فرعی از ۷–اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای مصیب جعفری زاده). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت ، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۱ (دوشنبه)

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۲۷ (چهارشنبه)

لیلا کاغذلو – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان– م الف ۱۱۶۷۰

## آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳– آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱–رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۳۷۵۱ در پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۴۵۱ تصرفات مفروزی و مالکانه خانم منیر دانشمند خسروی فرزند منوچهر مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۸۱/۰۳ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳۲۱ فرعی از ۱–اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک بلاواسطه از مالک رسمی ( آقای مهدی کاغذلو). در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت ، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۱ (دوشنبه)

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۲۷ (چهارشنبه)

لیلا کاغذلو – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان– م الف ۱۱۷۰۳

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۳۰۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم ابراهیم تلنده فرزند پتی به شماره شناسنامه ۹۶۷ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی به مساحت ۱۷۱٫۲۹ مترمربع مفروض و مجزی شده از ۱۹۹–اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (عطاخان عطایی) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۱۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۲۷

بهمن سارلی– رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله– م الف ۱۱۶۰۵

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۱۰ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم محمد سعیدی پور فرزند حاجی محمد به شماره شناسنامه ۴۸۶۰۳۴۴۷۲۳ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۴۹۳۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۷۶– اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله انتقال ملک از مالک رسمی (خداقلی خجسته) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۱۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۲۷

بهمن سارلی– رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله– م الف ۱۱۶۵۶

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۴۷۷۱ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم عبدالقاسم نوروزی فرزند عبدالرحمان به شماره شناسنامه ۴۸۰ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۹٫۸۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۷۵ فرعی از ۲۱۳– اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (علی رضا شیخ) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۱۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۲۷

بهمن سارلی– رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله– م الف ۱۱۶۵۶

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۴۶۱۰ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم مبین تاقی زاده فرزند قربان محمد به شماره شناسنامه ۴۸۶۰۳۸۰۵۴۱ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی مسکونی به مساحت ۷۴٫۳۵ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۹۹–اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (عطاخان عطایی) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۱۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۸/۲۷

بهمن سارلی– رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله– م الف ۱۱۷۲۱

## آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۴۹۷۴ مورخ ۱۴۰۵.۰۷.۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۰۸۲ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آق اویلی کر فرزند خداوردی شماره شناسنامه ۶۷۸۷ کدملی ۴۹۷۹۳۶۱۶۷۶ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۱۷.۵۵ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۰۳۴ فرعی از ۱۴ اصلی واقع در آق قلا، قریه چن سبلی، بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا سهمی مالک از (سند مالکیت مشاعی) و از سهمی مالک رسمی بول گلدی عبایی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول :سه شنبه: ۱۴۰۵.۰۸.۱۲

تاریخ انتشارنوبت دوم: چهاشنبه: ۱۴۰۵.۰۸.۲۷

احمد نبویان– سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا از طرف علی برقی م الف:۸۲۲

## آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۳۵۹۷ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ذکراله کردی فرزند اسکندر به شماره ملی ۲۲۴۹۵۸۱۴۸۷ شماره شناسنامه ۲۲ صادره از کردکوی در ۱۱۰.۵۹ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی که باقیمانده ۹،۴۱سهم مشاع از ۱۲۰ سهم عرصه آن وقف مادر به مساحت ۳۸۷۰/۱۵مترمربع قسمتی از پلاک ۶–اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی دشتیکلاته خریداری از مالک رسمی اسکندر کردی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۸/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۸/۲۷

مهدی شاه مهری– رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز م.الف :۱۱۶۲

## آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۳۵۹۶ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی زین العابدین کردی فرزند اسکندر به شماره ملی ۲۲۴۹۶۳۳۶۲۲ شماره شناسنامه ۱۲۰ صادره کردکوی در ۱۱۰.۵۹ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی که باقیمانده ۹،۴۱سهم مشاع از ۱۲۰ سهم عرصه آن وقف است به مساحت ۳۸۷۰/۱۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۶– اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی دشتیکلاته خریداری از مالک رسمی اسکندر کردی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۸/۱۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۸/۲۷

مهدی شاه مهری– رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز م.الف :۱۱۶۱

## آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۳۵۹۸ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی فضل اله کردی فرزند اسکندر به شماره ملی ۲۲۴۹۶۶۱۶۳۱ شماره شناسنامه ۱۳ صادره کردکوی در ۱۱۰.۵۹ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی که باقیمانده ۹،۴۱سهم مشاع از ۱۲۰ سهم عرصه آن وقف است به مساحت ۳۸۷۰/۱۵مترمربع قسمتی از پلاک ۶–اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی دشتیکلاته خریداری از مالک رسمی اسکندر کردجزی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۸/۱۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۸/۲۷

مهدی شاه مهری– رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز م.الف :۱۱۶۳

## آگهی قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی موضوع ماده۳ قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۵۲۷۸ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگز تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی فاطمه نقاد فرزند باقر به شماره ملی ۰۰۸۲۲۷۱۵۵۰ شماره شناسنامه ۳۷۷۱۰ صادره تهران در ۱۱۰.۵۹ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم در ششدانگ یک قطعه زمین زراعی که باقیمانده ۹،۴۱سهم مشاع از ۱۲۰ سهم عرصه آن وقف است به مساحت ۳۷۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۶– اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرگز اراضی وطنا خریداری از مالک رسمی حسن خاری محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۸/۱۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۸/۲۷

مهدی شاه مهری– رئیس اداره اسناد و املاک بندرگز م.الف :۱۱۵۵

## آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۱.۶۶ مترمربع دارای پلاک ۱۰۱۵ فرعی از ۱۲۶– اصلی واقع در اراضی گلند فخرآباد بخش ۲ حوزه ثبتی گرگان ملکی آقای عباس زرگری فرزند محمدعلی ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۵/۱۰/۰۱ در محل وقوع ملک واقع استان گلستان، شهرستان گرگان، روستای گلند فخرآباد کوچه حمام قدیم بازدید بعمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. ضمنا در صورتیکه روز تحدید حدود مصادف با تعطیلی گردد عملیات تحدید حدود در همان ساعت مندرج در آگهی و در اولین روز کاری بعد از تعطیلی انجام می شود.

تاریخ انتشار: چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۷

جواد پورمند– رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان از طرف غلامرضا قاسمی– شناسه آگهی ۲۳۲۸۸۱۳

## آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۵۲.۱۱ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۳۸۷ فرعی از دو اصلی واقع در اراضی طعنه بخش ۷ آق قلا مورد تقاضای خانم عایشه صداقت دوگونچی فرزند تاج مراد باستناد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در ساعت ۸ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵.۰۹.۱۸ در محل وقوع ملک واقع در اراضی طعنه، بخش۷ شهر آق قلا به عمل خواهد آمد. (چنانچه روز تحدید حدود به هر دلیلی از سوی دولت محترم تعطیل رسمی اعلام گردید عملیات تحدید در ساعت مقرر، روز بعد تعطیلی یا تعطیلات انجام خواهد شد). از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا(۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر این‌صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار:چهارشنبه ۱۴۰۵.۰۸.۲۷

احمد نبویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا از طرف علی برقی م الف:۸۴۴

# شکارچیان غیرمجاز مهمانان ناخوانده تالاب‌های گلستان

همزمان با ورود پرندگان مهاجر آبزی و کنار آبزی به گلستان، شکارچیان غیرمجاز به زیستگاه‌های آبی استان به ویژه تالاب‌ها هجوم آوردند و برای ساعاتی تفریح و خوردن گوشت شکار، امنیت این مهمانان را به خطر می‌اندازند. به گزارش ایرنا، همزمان با افزایش بارندگی‌ها و بیشتر شدن سطح آبی تالاب‌ها، در یک ماه اخیر ورود پرندگان مهاجر آبزی و کنار آبزی به زیستگاه‌های آبی استان شدت گرفته و با سرد شدن هوا، این پرندگان، گلستان را به عنوان مقصد زمستان‌گذرانی انتخاب کردند. طبق آخرین آمار و با بارش‌های اخیر، وسعت آب تالاب‌های آلماگل، آجی‌گل و آلاگل در مجموع به ۹۶۰ هزار هکتار رسیده و پنج هزار و ۱۰۰ هکتار از وسعت تالاب گمیشان با رهاسازی پساب مزارع میگوی گمیشان و همچنین هدایت آب باران از طریق کانال خزر آبگیری شد و در کنار آن ۳۸۰ هکتار از وسعت دریاچه شور آب دارد. مهاجرت پرندگان از عرض‌های شمالی کره زمین شامل مناطق سردسیر سیبری و اروپای شرقی و غربی، همزمان با سرد شدن هوا و محدودیت منابع غذایی در این مناطق به تالاب‌های گلستان از اوایل نیمه دوم سال آغاز می‌شود و این پرندگان تا نیمه یا اواخر فروردین ماه متناسب با درجه دمای هوا در تالاب‌های استان می‌مانند و از منابع غذایی آن تغذیه می‌کنند. انواع مرغابی‌ها، قو، پلیکان، حواصیل، چنگر، پرستوها، آبچلیک‌ها، غاز، فلامینگو، باکلان و عقاب دریایی دم سفید از جمله گونه‌های پرندگان مهاجری هستند که نیمی از سال را در زیستگاه‌های آبی گلستان ساکن می‌شوند. در گلستان ۲۳ سایت سرشماری پرندگان وجود دارد که مهمترین آن چهار تالاب‌های بین المللی گمیشان، آلاگل، آلماگل و آجی‌گل و همچنین حاشیه شرقی دریای خزر، خلیج گرگان، منطقه شکار و تیراندازی ممنوع صوفیکم و سد دانشمند است که همه ساله در نیمه دوم سال میزبان صدها هزار انواع پرندگان مهاجر هستند.مردم ساکن



در روستاهای اطراف زیستگاه‌های آبی گلستان این روزها از حضور شکارچیان غیرمجاز که در حاشیه تالاب‌ها مستقر می‌شوند و صدای شلیک تفنگ‌هایشان باعث ایجاد رعب و وحشت برای اهالی است گلایه دارند و خواستار برخورد با این متخلفان هستند.فرمانده یگان حفاظت محیط زیست گلستان در گفت و گو با خبرنگار ایرنا با تاکید بر اینکه هنوز دستورالعمل صدور پروانه شکار از سوی سازمان برای چهارپایان، پرندگان آبزی، کنار آبزی و خشکزی صادر نشده است، گفت: در یک ماه اخیر ۲۳ شکارچی متخلف به همراه اسلحه‌هایشان در حین اقدام به شکار پرندگان مهاجر در زیستگاه‌های آبی استان دستگیر شدند.قنبرعلی تمسکنی افزود: بیشترین حضور شکارچیان مربوط به تالاب‌های بین المللی آلاگل، آلماگل و آجی‌گل در محدوده گنبدکاووس، حاشیه دریای خزر و خلیج گرگان در بندرترکمن و تالاب گمیشان است و با وجود کمبود نیرو، تیم‌های یگان حفاظت استان در کنار همکاران محیط زیست شهرستان‌ها گشت‌های میدانی را گسترش دادند. وی گفت: هرچقدر جمعیت پرندگان مهاجر در زیستگاه‌های آبی گلستان بیشتر می‌شود به همان نسبت شاهد افزایش حضور متخلفان هستیم اما نیروهای یگان دست از تلاش شبانه روزی برای حفاظت از محل‌های استقرار پرندگان مهاجر بر نمی‌دارند چرا که تلاش داریم میزبان خوبی برای آنها باشیم.فرمانده یگان حفاظت محیط زیست گلستان بیان کرد: اخیرا در حین گشت زنی در تالاب آلاگل شاهد حضور بیش از ۱۰۰ شکارچی متخلف با سر و صورت بسته بودیم و با توجه به تیراندازی آنان به سمت نیروهای یگان برای جلوگیری از آسیب دیدگی همکاران، اقدام به ثبت پلاک خودروهای پارک شده آنان در محل کردیم تا از طریق شماره پلاک اعمال قانون شوند. از مجموع ۳۰۴ گونه پرنده که در گلستان شناسایی شد ۱۰۷ گونه بومی استان، ۹۷ گونه زمستان گذران، ۸۱ گونه برای تولید مثل و ۱۹ گونه به طور اتفاقی دیده است و از میان پرندگان استان از نظر آخرین فهرست سرخ اتحادیه جهانی حفاظت گونه «خروس کولی دشتی» در وضعیت بحرانی، «بالابان، عروس غاز، کرکس مصری و اردک سرسفید» در معرض خطر انقراض، «غازپیشانی سفید کوچک، عقاب خالدار بزرگ، عقاب شاهی، تلیله بزرگ، هوبره ایرانی، اردک دم دراز، عقاب دریایی پالاس، اردک مرمری و پلیکان خاکستری» از پرندگان در معرض آسیب قرار دارند.به گفته رییس اداره نظارت بر امور حیات وحش اداره کل حفاظت محیط‌زیست گلستان، ورود پرندگان مهاجر در یک ماه اخیر به زیستگاه‌های آبی استان با گونه‌های فلامینگو، خوتکا ابرو سفید، مرغابی، اردک سرسبز و چنگر شروع شد و به تدریج با سردتر شدن هوا شاهد مهاجرت بیشتر گونه‌های پرندگان مانند غازها، قوها، پلیکان‌ها، انواع اردک‌ها و پرندگان کنار آبزی مانند آبچلیک‌ها، تلیله‌ها و سلیم‌ها به تالاب‌ها، آبندان‌ها و سدها خواهیم بود. محمود شکیبا افزود: گلستان به واسطه برخورداری از زیستگاه‌های آبی متنوع سکونتگاه مناسبی برای زمستان گذرانی پرندگان مهاجر محسوب می‌شود و با توجه به اهمیت موضوع و حضور پرندگان در مناطق تالابی اقدامات حفاظتی و پایش‌ها به صورت منظم در حال انجام است.وی با اشاره به اینکه همه ساله عملیات سرشماری پرندگان مهاجر آبزی و کنار آبزی به مدت یک ماه از اول ژانویه (۱۲ دی تا ۱۲ بهمن) در استان گلستان برگزار می‌شود، گفت: بر اساس سرشماری سال گذشته جمعیت پرندگان مهاجر آبزی و کنار آبزی ورودی به استان ۱۳۹ هزار و ۶۲ قطعه بوده که در مقایسه با ۱۱۶ هزار قطعه سال قبل‌تر روند افزایشی را نشان می‌دهد.گلستان با مساحتی در حدود ۲ میلیون و ۱۹۲ هزار و ۱۳۰ هکتار از شمال با ترکمنستان، از شرق با خراسان شمالی، از غرب با مازندران و جنوب با سمنان همسایه است.

آگهی ثبتی

## آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۵۳ مترمربع دارای پلاک ثبتی شماره ۱۹۵۴ فرعی از چهار اصلی واقع در اراضی یلمه خندان بخش ۱۳ آق قلا مورد تقاضای خانم مهین داژ فرزند نورمحمد باستناد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در ساعت ۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵.۰۹.۱۸ در محل وقوع ملک واقع در اراضی یلمه خندان، بخش ۱۳ شهر آق قلا به عمل خواهد آمد. (چنانچه روز تحدید حدود به هر دلیلی از سوی دولت محترم تعطیل رسمی اعلام گردید عملیات تحدید در ساعت مقرر، روز بعد تعطیلی یا تعطیلات انجام خواهد شد). از این رو چنانچه مجاوری نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی بر خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا (۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا به ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۴۰۵.۰۸.۲۷
احمد نبویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا از طرف علی برقی م الف:۸٤٦

## آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳- آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:
۱-رأی شماره ۱۴۰۵٦۰۳۱۲۰۱۰۰۰۵٤٤۸ در پرونده کلاسه ۱٤۰٤۱۱٤٤۱۲۰۱۰۰۰۰۵۲۱ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای مهدی زمانی فرزند محمد حسین مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰۰ متـــرمربع در قسمتی از پلاک شماره ۲-اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای موسی زمانی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۳۵۳۹ مـــورخ ۱۷/ ۱۲/ ۱۳٤٦) .
۲-رأی شماره ۱۴۰۵٦۰۳۱۲۰۱۰۰۰۵٤۱۲ در پرونده کلاسه ۱٤۰٤۱۱٤٤۱۲۰۱۰۰۰۰۵۲۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای مجتبی زمانی فرزند محمد حسین مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰۰ متـــرمربع در قسمتی از پلاک شماره ۲-اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای موسی زمانی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۳۵۳۹ مـــورخ ۱۷/ ۱۲/ ۱۳٤٦) .
تاریخ انتشار نوبت اول: ۲۷/ ۰۸/ ۱٤۰۵ (چهارشنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱٤/ ۰۹/ ۱٤۰۵ (شنبه)
لیلا کاغذلو- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان- م الف ۱۲۰۱۳


## مناقصه عمومی یک مرحله ای
## فراخوان انتخاب پیمانکار ساخت پروژه ساختمان اداری کمیته امداد گرگان

**کمیته امداد امام خمینی (ره) استان گلستان در نظر دارد**

**مناقصه انتخاب پیمانکار ساخت پروژه ساختمان اداری کمیته امداد شهرستان گرگان را به شماره سیستمی ۲۰۰۵۰۰٤۱٦۷۰۰۰۰۰۲ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.**
**کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.**
**متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.**

**مواعدزمانی:**
**– تاریخ انتشار فراخوان:** ۱٤۰۵/۰۸/۲۷ **ساعت:** ۰۸:۰۰
**– مهلت دریافت اسناد فراخوان:** ۱٤۰۵/۰۹/۰۷ **ساعت:** ۱۹:۰۰
**– مهلت ارسال پیشنهادات:** ۱٤۰۵/۰۹/۲۲ **ساعت:** ۱۳:۰۰
**– زمان بازگشایی پاکت ها:** ۱٤۰۵/۰۹/۲۳ **ساعت:** ۰۹:۰۰
**نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: نوع تضمین به صورت ضمانت نامه بانکی یا واریز نقدی به مبلغ ۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال**
**اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: سایت اداری اداره کل کمیته امداد امام خمینی(ره)استان گلستان ۰۱۷۳۲٤۸۰۷۳۹-۰۹۱۹۲۰۷۵٦٤۰**

**شناسه آگهی ۲۳۲۷۸۴۴**

**اجتماعی. فرهنگی. سیاسی. اقتصادی. ورزشی**
Email:golshanemehr۱@yahoo.com

» صاحب امتیاز: احسان مکتبی
maktabi.ehsan۴۸@gmail.com

» مدیرمسوول: مریم قرآنی
» سردبیر: محمد جواد مکتبی
» نشانی: گرگان ـ خیابان امام خمینی ـ پاساژ قدس ـ طبقه سوم
تلفکس: ۳۲۲۴۱۱۹۵ تلفن: ۳۲۲۴۴۳۰۲ ـ ۳۲۲۵۱۳۱۶ـ۰۱۷
» چاپ: افست گلشن مهر

گلشن مهر

چهارشنبه ۲۷ آبان ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم/ شماره ۳۲۹۶

نقدی بر شیوه مدیریتی منابع آب استان گلستان

# گلستان؛ باران بیشتر، آب کمتر؟



سید علیرضا میران

تفکر عموم همواره بر این استوار است که بارندگی بیشتر برابر است با منابع آبی بیشتر. شاید منطق عموم همین را تایید کند. اما وضعیت ذخایر آب استان گلستان حکایت دیگری دارد. استانی که با وجود بارندگی رو به افزایش، همچنان با کاهش ذخایر آب زیرزمینی، کاهش جریان رودخانه‌ها و دشواری تأمین آب شهری رو به روست. دغدغه اصلی این است که چرا افزایش بارش و ارائه طرح‌های متعدد مدیریتی از سوی زمامداران و سیاستگذاران استان، هنوز نتوانسته‌اند امنیت آبی استان را تضمین کنند؟ آیا باید پاسخ این پرسش را در بارش کم یا تغییرات اقلیمی جست؟ این بار علت جدای از دعوای همیشگی گرمایش زمین و تغییرات آب و هوایی است! بحران آب استان گلستان بیشتر ریشه در الگوهای علمی به خصوص در تکمیل برخی زیرساخت‌ها و ارزیابی شفاف عملکرد دستگاه‌های مسئول از قبیل شرکت آب منطقه ای یا جهاد کشاورزی دارد. گزارش های رسمی نهادهای مسئول استانی نشان می‌دهند که سوال اصلی، کاهش بارندگی نیست، چگونگی تبدیل منابع طبیعی آب به ذخیره‌ای پایدار و قابل‌دسترس برای مردم است! به گزارش مدیرعامل شرکت آب منطقه ای استان گلستان در سال ۱۴۰۵، میزان بارندگی استان گلستان از مهرماه سال ۱۴۰۴ تا پایان شهریورماه سال ۱۴۰۵، ۴۴،۲ درصد افزایش داشته است. در نگاه اول، این افزایش می تواند نشانه‌ای امیدوارکننده باشد؛ اما واقعیت تصویر متفاوتی ارائه می‌کند. تصویری که در پس زمینه آن، نهادهای مدیریتی استانی را میشود دید!

طبق گزارش های شرکت آب منطقه ای در سال های اخیر، جریان رودخانه‌ها در حوضه آبریز قره‌سو نسبت به میانگین ۵۴ ساله قبل از خود ۶۵،۹ درصد کاهش داشته است. این کاهش در حوضه گرگان‌رود ۴۷،۸ درصد و در حوضه اترک ۹۱،۶ درصد گزارش شده است. در پایان شهریور نیز سدهای بزرگ مخزنی استان ۴،۶ درصد ظرفیت خود، آب ذخیره داشتند. تا حدی تناقض میان بارندگی بیشتر و منابع آبی کمتر را باید با بررسی چرخه آب توضیح داد. چرخه ای که در آن همه بارش‌ها به آب قابل‌استفاده تبدیل نمی‌شوند. چرخه ای که به دلیل شیوه های اتلاف متعدد و متفاوت، بخشی از آن به ذخایر زیرزمینی و مخازن می‌رسد. اتلاف آب در چرخه ایجاد ذخایر آبی پایدار کاملا طبیعی است اما تا چه میزان؟ اینجاست که کنترل صحیح این چرخه و عوامل موثر بر آن در کاهش این اتلاف و رساندن میزان آن به حد طبیعی و در پی آن حصول منابع آبی پایدار و قابل دسترس اهمیت بالایی پیدا میکند. افزایش بارندگی اگر با مدیریت مناسب و علمی حوضه‌های آبریز، حفاظت خاک های کم پوشش، پوشش گیاهی و مدیریت علمی و مدرن کشاورزی همراه نباشد، به بهبود منابع آب منجر نخواهد شد و نتیجه همین تناقض غیر قابل توجیه میان حجم بارندگی و حجم ذخایر آبی میشود. تناقضی که این بار دیگر با فقدان فرهنگ مصرف توجیه نمیشود! این بار ابرهای دولت چهاردهم برخلاف ابرهای دولت دوازدهم پایین خود را نگاه میکنند و میبارند، اما همچنان ذخایر و منابع آبی رو به کاهش است! کاهش هم‌زمان آب در دسترس شهری، جریان رودخانه‌ها، ذخایر سدها و آبخوان‌ها، نشانه آن است که شیوه مدیریتی آبی استان نمی‌تواند صرفاً بر میزان بارش تکیه کند. یکی از مصادیق شیوه حفظ ناصحیح و غیر علمی منابع آبی گلستان که نیاز به اصلاح فوری و دانش پایه دارد، سهم بالای کشاورزی از ذخایر آب استان است. به نقل از مدیرعامل شرکت آب منطقه ای استان حدود ۸۷ درصد آب ذخیره شده استان در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. تا به اینجای کار شاید حتی این عدد طبیعی و منطقی جلوه کند. زیرا که در واقع عامل اول، سهم مصرف حوزه کشاورزی از منابع آبی نیست که در اولویت اول اصلاح مدیریتی باشد بلکه نحوه انتقال منابع آبی به مقصد زمین های کشاورزی است. به گفته مدیر عامل شرکت آب منطقه ای راندمان انتقال آب کشاورزی و آبیاری حدود ۳۰ تا ۳۱ درصد بوده و نزدیک به ۷۰ درصد آب صرفا در فرایند انتقال و آبیاری هدر می‌رود. اعدادی که شاید برای جامعه غیر ملموس باشد چرا که نحوه انتقال منابع آبی هرگز مورد توجه مردم محلی نبوده، اما مدیران و سیاستگذاران ارشد استانی هم باید نسبت به این محل اتلاف منابع آب در دسترس استان بی توجه باشند؟

این ارقام اهمیت اصلاح مدیریت آب در حوزه کشاورزی را نشان می‌دهند، بخشی که در تأمین امنیت غذایی و معیشت خانوارهای استان نقش اساسی دارد و حذف یا محدود شدنی نیست. اما آیا نمیتوان آن را اصلاح و علمی کرد؟ مهار بحران آب از طریق ایجاد محدودیت‌های مقطعی و بدون برنامه جایگزین در الگوی کشاورزی، نه عملی است و نه علمی. راهکار اصلی، افزایش بهره‌وری واقعی آب و کاهش هدر رفت آن، اصلاح شبکه‌های انتقال، انتخاب الگوی کشت متناسب با ظرفیت هر منطقه، اصلاح شیوه های آبیاری و کنترل برداشت از منابع زیرزمینی است. راه هایی که با سیاست گذاری صحیح و طرح های اصولی متناسب با دخایر آبخوان ها و ظرفیت آبی استان امکان پذیر هستند. اهمیت منابع زیرزمینی در گلستان زمانی روشن می‌شود که بدانیم بخش عمده تأمین آب شرب استان به این منابع وابسته است. منابعی محدود و رو به اتمام! طبق اعلام شرکت آب منطقه ای حدود ۹۵درصد تأمین آب شرب استان وابسته به منابع زیرزمینی است. وابستگی زیاد به آب زیرزمینی در شرایطی که ذخایر آبخوان های استان در حال کاهش هستند، یک آسیب جدی حاصل می‌کند! آسیبی که هزینه اصلاح آن به مراتب بیشتر از هزینه پیشگیری از وقوع آن است! آبخوان‌ها مخازنی نیستند که بتوان آن‌ها را در هر شرایطی به‌سرعت پر کرد. تغذیه مجدد آن‌ها به شرایط زمین‌شناسی، میزان نفوذ آب در زمین و توازن میان برداشت آب و تغذیه آن وابسته است. در نتیجه، افزایش عمق چاه‌ها یا حفر چاه‌های جدید ممکن است در کوتاه‌مدت بخشی از نیاز را تأمین کند، اما نه تنها راه‌حل پایداری نیست، بلکه در بلند مدت سرعت وقوع آسیب هایی در مقیاس های بزرگتر را بیشتر هم میکند!

در این شرایط، شیوه مصرف منابع آب علاوه بر تأمین آب شرب، باید به تعیین سقف برداشت آب، نظارت بر حفر و حفظ چاه‌ها، جلوگیری از برداشت غیرمجاز و حفاظت از مناطق تغذیه آبخوان‌ها نیز توجه کند. در کنار مدیریت مصرف و کشاورزی، توسعه زیرساخت‌های تأمین آب نیز ضروری است؛ اما تجربه نشان می‌دهد که صرفا شروع پروژه های ساخت تأسیسات کلید این مشکل نیست. سد نرماب یکی از نمونه‌های مهم این موضوع در گلستان است. علی رغم اینکه تکمیل بخش‌های باقی‌مانده سد نرماب به نقل از گزارش های شرکت آب منطقه ای به حدود ۲۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد. این سد پس از تکمیل می‌تواند در تأمین آب شرب حدود ۷۵۰ هزار نفر از جمعیت استان نقش داشته باشد. با این‌حال، تکمیل طرح ضامن رفع مسئله نیست. تکمیل این پروژه فقط به احداث بدنه سد محدود نیست. در ارزیابی پروژه‌هایی این چنینی، نباید به دنبال این بود که چه مقدار اعتبار هزینه شده یا چند درصد عملیات ساختمانی پیشرفت کرده است؟ باید گزارش کرد در عمل چه میزان آب ذخیره و منتقل می‌شود، چه جمعیتی از آب پایدار بهره‌مند می‌شوند، تاثیر آن بر ذخایر آب زیرزمینی چگونه است و مهم تر از آن توانمندی عملی دولت در اجرا و حفظ پایداری عملکرد آن چه میزان است.

در بررسی کارنامه استان، نادیده‌گرفتن اقدامات انجام‌شده به همان اندازه نادرست است که معرفی هر پروژه به عنوان نشانه مهار بحران! برای نمونه، اقداماتی مانند نوسازی ۱۳ هزار و ۸۴۵ کنتور فرسوده، نشت‌یابی بیش از ۵۰ هزار انشعاب و شناسایی ۵۹۶ انشعاب غیرمجاز اقدامات موثر اما ناکافی دستگاه های اجرایی بوده اند. در زمینه آبخیزداری نیز پروژه‌هایی با هدف کنترل رواناب، کاهش فرسایش خاک و تقویت تغذیه آبخوان‌ها اجرا شده‌اند. اما کمی برای ایستاده تشویق کردن زود است! چنین طرح‌هایی می‌توانند بخشی از راه‌حل باشند، اما ارزیابی نتیجه آن‌ها به داده‌های پیش و پس از اجرا نیاز دارد. تعداد پروژه‌ها یا مبلغ اعتبار نشان نمی‌دهد که تغذیه آبخوان افزایش یافته یا خطر سیلاب و فرسایش تا چه میزان کاهش پیدا کرده است.

وضعیت منابع آب گلستان نشان می‌دهد که بارندگی بیشتر، اگر برداشت، با افزایش بهره‌وری مصرف و حفاظت از منابع طبیعی همراه نباشد، الزاماً به امنیت آبی منجر نمی‌شود. کاهش جریان رودخانه‌ها، افت ذخایر آبخوان‌ها، سهم بالای کشاورزی از مصرف آب و تأخیر در تکمیل زیرساخت‌های مهم و مدیریت صحیح منابع طبیعی، همگی ضرورت بازنگری در برخورد با منابع آبی استان را برجسته می‌کنند.

چاره نه کنارگذاشتن پروژه‌های فعلی تأمین آب است و نه محدودکردن این چالش به توصیه‌های عمومی برای صرفه‌جویی خانوارها. امنیت آبی زمانی امکان‌پذیر می‌شود که اصلاح الگوی کشت، کنترل برداشت از آبخوان‌ها، کاهش تلفات شبکه انتقال آب، تکمیل زیرساخت‌ها، حفظ عملکرد تاسیسات، حفاظت از حوضه‌های آبریز و انتشار عمومی نتایج اقدامات، به‌صورت هماهنگ و یکپارچه دنبال شوند. در نهایت، پرسش اصلی از مسئولان این نیست که چند طرح آبرسانی افتتاح شده یا چه مقدار اعتبار اختصاص یافته است؛ پرسش این است که این اقدامات تا چه اندازه از برداشت ناپایدار کاسته، ذخایر آب را تقویت و دسترسی مردم به آب پایدار را تضمین کرده‌اند؟

## کامیون حامل ۴ تن چوب غیرمجاز توقیف شد

فرمانده انتظامی گرگان از کشف چهار تن چوب جنگلی که به‌صورت غیرمجاز برداشت شده بود، در بازرسی از یک دستگاه کامیون و دستگیری یک متهم در این شهرستان خبر داد.به گزارش روابط عمومی، عباسعلی پهلوانی‌نسب اظهار کرد: مأموران پاسگاه انتظامی قرق در جریان گشت‌زنی هدفمند در حوزه استحفاظی خود، به یک دستگاه کامیون مشکوک شدند و آن را برای بررسی بیشتر متوقف کردند.وی افزود: در بازرسی از این کامیون، چهار تن چوب جنگلی فاقد مجوز کشف شد و در همین رابطه یک نفر دستگیر و پس از تشکیل پرونده برای طی مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد.فرمانده انتظامی گرگان با هشدار درباره پیامدهای قطع غیرقانونی درختان جنگلی، این اقدام را تعرض به منابع ملی و عاملی برای بروز آسیب‌های زیست‌محیطی دانست و از شهروندان خواست هرگونه فعالیت مشکوک در زمینه قاچاق چوب و فرآورده‌های جنگلی را از طریق شماره ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند.

